

بررسی نقش حسن نیت در عقود و قراردادها در حقوق ایران و فرانسه

مرضیه باقری^۱، روح الله محمدی^۲

^۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه پیام نور واحد رستم، ایران

^۲ دانشجوی دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، ایران.

چکیده

امروزه حسن نیت به عنوان یکی از اصول اخلاقی، در حقوق قراردادها جایگاهی بس شگرف یافته است، به گونه ای که در برخی از نظام های حقوقی، به عنوان یک قاعده لازم الرعایه در مرحله انعقاد، اجرا و تفسیر قرار داد شناخته می شود. در حقوق ایران اصل لزوم قراردادها به عنوان اصلی مسلم پذیرفته شده است و طرفین قرارداد ملزم به ایفاء تعهدات ناشی از آن بوده و نمی توانند از مفاد اجرای قرارداد امتناع نمایند ولی در قانون مدنی فرانسه طبق ماده ۱۱۳۴ بعد از بیان اصل حاکمیت اراده طرفین قرارداد و نیز موثر بودن عقود درباره آنها به طرح لازم الرعایه بودن حسن نیت در اجرای عقود پرداخته، در حقوق فرانسه این اصل نه تنها بر اجرای قراردادها بلکه بر همه روابط قراردادی، از انعقاد تا انحلال حکومت می کند. اصل حسن نیت از اصول شناخته شده حقوق قراردادها در عرصه بین المللی است و چنین جایگاهی موجب نفوذ و تأثیر آن در حقوق داخلی شده است؛ بنابراین ضرورت رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه در قراردادها به عنوان اصلی مهم در حقوق ایران و فرانسه در جهت ایجاد اهدافی مانند چگونگی تهیه و تنظیم شروط قراردادها، برقراری تعادل و توازن در رفتار طرف های قرارداد، انعقاد، تفسیر و اجرای قراردادها جایگاه ویژه ای در حقوق قراردادها یافته است.

واژه های کلیدی: حسن نیت، صداقت، تصورات، حقوق فرانسه، قرارداد.

مقدمه

با اینکه حسن نیت در اکثر نظام های حقوقی شناخته شده و در مواد مختلفی از قوانین کشورها لزوم رعایت آن مورد حکم قرار گرفته است، اما تعریف روشن و صحیحی از آن ارائه نگردیده و علت این امر قصور یا بی توجهی مقنن یا دکتترین نیست، بلکه اساساً بعضی از مفاهیم واجد خصیصه ای هستند که شاید بتوان گفت مستغنی از تعریفند. حسن نیت، اصلی ذاتاً اخلاقی و وجدانی است که همگام با تحولات جوامع انسانی و گسترش ارتباطات اجتماعی و تجاری و ظهور اختلافات پیچیده، حقوقی در جهت حل قسمتی از مسائل، حقوقی به ویژه نزدیک ساختن مقررات و ضوابط خشک حقوقی به موازین و انصاف یا به عرصه حقوق نهاده است. با توجه به اینکه عالم اخلاق و دنیای وجدانیات برگرفته از فطرت پاک انسانی است و رو به راستی و تعالی فکری بشر دارد، از همان آغاز در تنظیم روابط شخصی و اجتماعی انسان ها اصول و ضوابط اخلاقی نقش برجسته ای داشته است. کم کم با تأسیس قواعد حقوقی و مراجع، قضایی این اصول و قواعد اخلاقی به تدریج وارد حقوق گردید و در تنظیم قوانین حقوقی و جزایی به کار گرفته شد. اصولی چون لزوم وفا به عهد، قبح عقاب بلا بیان و مانند آن نیز در واقع از عالم اخلاق وارد حقوق شدند و امروزه به شکل اصول مسلم حقوقی در حوزه های حقوق قراردادها و اموال حکومت می کند. این اصول علی رغم ریشه اخلاقی شان که در ابتدا تنها مظهر حسن نیت تلقی می شوند و هیچ ضمانت اجرای خارجی نداشتند، امروزه به عنوان اصولی بنیادین و اساسی در حقوق شناخته شده، مبنای بسیاری از تعهدات دیگر را تشکیل می دهند؛ و به عبارت دیگر می توان گفت این اصول ماهیتی اخلاقی، حقوقی دارند. در حقوق ایران و نیز در حقوق کلیه کشورهای متمدن، اصل لزوم قراردادها به عنوان اصلی مسلم پذیرفته شده است و به موجب این اصل، طرفین قرارداد ملزم به ایفاء تعهدات ناشی از آن بوده و نمی توانند از اجرای مفاد قرارداد امتناع نمایند. مع الوصف در حقوق اروپایی اصلی دیگر به نام «حسن نیت» نیز بر اجرای قراردادها حکومت می کند که قانون مدنی ما بالصرحه از آن نامی به میان نیاورده است. از جمله ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه مقرر می دارد که: «عقودی که وفق مقررات منعقد شده باشد برای طرفین در حکم قانون است. این عقود جز با تراضی طرفین یا جهاتی که قانون اجازه می دهد، قابل انفساخ نیست. عقود باید با حسن نیت اجرا شوند». امروزه اصل حسن نیت در حقوق موضوعه این کشور اهمیتی بسیار یافته و نه تنها بر اجرای قراردادها بلکه بر همه روابط قراردادی، از انعقاد تا انحلال آن، حکومت می کند. به عبارت دیگر، هر چند قانونی مدنی فرانسه مشتمل بر قاعده ای خاص در زمینه حسن نیت در مرحله انعقاد قراردادها نیست ولی رویه قضائی، با گسترش دامنه حکومت بند ۳ ماده یاد شده به این مرحله، حسن نیت را معیار بررسی تمام رضایت متعاقبین ساخته و علاوه بر آن، اعمال این اصل را در نحوه انحلال عقود نیز لازم دانسته است. با این وجود پر اهمیت ترین مرحله دخالت حسن نیت در قرارداد، مرحله اجرای آن است.

گفتار اول: مفهوم شناسی

به رغم آنکه حسن نیت در نظام های حقوقی مختلف شناخته شده و در بین برخی کشورها نیز مقرراتی را به خود اختصاص داده اما تعریف روشن و صریحی از آن ارائه نشده است. برخی حسن نیت را مفهومی سهل و ممتنع معرفی کرده اند (دیلمی، ۱۳۸۹: ۴۲). به عقیده صاحب نظران، حسن نیت مقوله ای ذهنی، کیفی و مبهم بوده و تعریف آن امری دشوار است. حسن نیت ترکیبی اضافی، متشکل از دو واژه ی «حسن» و «نیت» می باشد که همراه با تعبیر «رفتار منصفانه» به کار می رود. فرهنگ حقوقی، در تعریف حسن نیت، آن را یک حالت ذهنی مبتنی بر صداقت در عقیده یا هدف، پایبندی به تعهد و التزام در مقابل دیگری، رعایت استانداردهای تجاری متعارف، رفتار منصفانه در یک تجارت یا کسب و پیشه ی معین و یا فقدان قصد تقلب و تدلیس یا تحصیل امتیاز بر خلاف وجدان، معرفی می نماید. صاحب نظران خارجی برای تعریف حسن نیت، تعبیر مختلفی را به کار برده اند. برخی ایفای درست و منصفانه ی تعهدات قراردادی، به نحوی که در عرف تجارت مقبول باشد را به حسن نیت تعبیر کرده اند. گروهی حسن نیت را اصلی بنیادین می دانند که از قاعده ی لزوم وفای به عهد و دیگر قواعد حقوقی که با صداقت و انصاف در ارتباط هستند، گرفته شده است. برخی نیز معتقدند که حسن نیت در بازرگانی بین المللی،

باید با مراجعه به استانداردهای متعارف و معقول تعریف شود. از منظر ایشان، «معقول» چیزی است که در عرف تجاری قابل قبول باشد حقوق دانان فرانسوی دو معنای کلی و مستقل برای حسن نیت شناسایی نموده اند. معنای نخست، «درستکاری در اعمال حقوقی» و معنای دوم «تصور اشتباه و قابل اغماض» است که به منزله ی یک حق مورد حمایت واقع شده است. بر اساس این معانی، حسن نیت دو کارکرد مستقل دارد. در کارکرد نخست، به عنوان قاعده ای لازم الاجرا در انعقاد، اجرا و تفسیر قراردادها حکومت دارد و در کارکرد دوم، به عنوان مبنای حقوقی، توجیه کننده، حمایت از شخص در موارد اشتباه و تصور نادرست به کار می رود که ناظر بر عدم اطلاع و نا آگاهی شخص است. مفهوم اخیر که بیشتر در حقوق فرانسه مورد توجه واقع شده، موجب حمایت قانونگذار از شخص ناآگاه می شود (کاوینی، ۱۳۷۷: ۱۵). به همین جهت برخی در مقام تعریف حسن نیت، فردی که اقدام به عمل حقوقی یا عمل مادی واجد آثار حقوقی نموده و به صحت عمل خود اعتقاد دارد دارای حسن نیت می دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹: ۲۰۰۱). در همین راستا، برخی معتقدند که حسن نیت، وضع فکری کسی است که از روی اشتباه، اقدام به عمل حقوقی نموده و تصور می کند که عمل او بر وفق قانون است و حال آنکه چنین نیست و قانونگذار در مقابل عواقب زیان بار آن عمل حقوقی، در حد معینی او را حمایت می کند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵: ۲۳).

گفتار دوم: پیشینه حسن نیت و جایگاه آن در نظام های حقوقی ایران و فرانسه

پیشینه تاریخی موضوع حسن نیت حاکی از غلبه جنبه قراردادی آن است یعنی بیش از آنکه در حوزه مسئولیت خارج از قرارداد مطرح شود در حوزه قرارداد بیشتر مورد نظر بوده است «بویژه آنکه حسن نیت در قرون ۱۹ و ۲۰ در متن قوانین بروز یافته است و به صورت نص درآمده است». در حقوق فرانسه قانونگذاران فرانسوی در سال ۱۸۰۴ میلادی در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه رعایت حسن نیت را در اجرای قراردادها لازم دانسته اند؛ بنابراین یکی از شروط اجرای قرارداد در قانون مدنی فرانسه رعایت حسن نیت می باشد. البته این ماده در حقوق فرانسه صرفاً نقش فرعی و معین برای دیگر مقررات دارد. همچنین در این کشور اصل حسن نیت به قلمرو و تفسیر قرارداد نیز تعمیم داده نشده است. البته هر چند محاکم فرانسه اهمیت زیادی به اصل مزبور در تفسیر و تعیین تعهدات متعاقبین نمی دهند اما حتی بدون ارجاع به اصل حسن نیت و با استناد به تئوری های مسلم نظیر منع سوءاستفاده از حق نتایج مشابهی بدست می آورند. قابل ذکر است که در دهه های اخیر محاکم این کشور مکرراً با توجه به اصل حسن نیت به تفسیر قرارداد و خواست متعاملین پرداخته اند و نویسندگان این کشور نیز به منظور تحدید مسئولیت و نیز کاربرد شرط معافیت از مسئولیت ناشی از نقض قرارداد، اصل مزبور را مورد استناد قرار داده اند. «البته برخی از نویسندگان فرانسوی» در شناخت اصل حسن نیت میان اصول بنیادین و اصول فنی تفاوت قائل است. دوماً برخی از قواعد مدنی را در نظم و منطقی که خود آنها را «قواعد کلی» نام گذاشته جمع آوری کرده است. در نظر ایشان در اصول بنیادین مجموعه قواعدی قرار می گرفت که نشأت گرفته از حقوق طبیعی می باشد و غیرقابل تغییر است؛ و به عقیده ایشان قواعد حسن نیت در زمره این اصول قرار می گیرد. ایشان حسن نیت و جوانمردی و رعایت انصاف در روابط طرفین را از اصول بنیادین می داند که قابل تغییر نمی باشد. نفوذ و کاربرد اصل حسن نیت در نظام حقوقی کشور های مختلف، یکسان نیست. در برخی کشورها، حسن نیت اصلی فراگیر است که بر تمام حقوق و تکالیف سایه می افکند. در برخی دیگر، این اصل در مرحله ی تفسیر و اجرای قرارداد به کار می رود. پس از بررسی دیدگاه حقوق ایران به جایگاه این اصل در حقوق فرانسه می پردازیم.

۱- حسن نیت در حقوق ایران

در حقوق ایران، با وجود تصریح به برخی از اصول حاکم بر قراردادها در قانون مدنی، مانند اصل صحت در ماده ۲۲۳ قانون مدنی و اصل لزوم قراردادها در ماده ی ۲۱۹ قانون مذکور، در خصوص اصل حسن نیت یا تکلیف به رعایت آن، سوءنیت یا حسن نیت اشخاص، اثر تعیین کننده ای بر اعتبار و آثار عقد ندارد (بابایی، ۲: ۱۳۸۵). با این وجود، فقدان یک نص صریح کلی مبنی بر رعایت حسن نیت را نمی توان موجب انکار و نفی کامل آن در حقوق ایران دانست. بررسی اجمالی قوانین مختلف

مبین آن است که اصل حسن نیت به صورت پراکنده در برخی مقررات پیش بینی شده است. شاید تنها مسأله ای که باقی می ماند، بررسی فراگیر بودن آن به عنوان یک قاعده عمومی است. اگر حسن نیت در حقوق ایران به عنوان اصل پذیرفته شود، قابل تسری به حوزه های مختلف حقوق قراردادها از جمله دوره پیش قراردادی نیز خواهد بود و اگر استثناء تلقی شود، باید در پذیرش آن به به مواد منصوص اکتفا کرد. حقوق ایران دارای ریشه فقهی و اسلامی می باشد و قوانین آن برگرفته از فقه شیعه می باشد. از طرفی هم بخشی از قواعد حقوق مدنی و نیز تجارت ایران نیز برگرفته از حقوق کشورهای اروپایی از جمله فرانسه است به عبارت دیگر حقوق موضوعه ایران ریشه فقهی دارد و بسیاری از قواعد معاملات دارای مبانی فقهی است و از آنجایی که در فقه نیز تعریفی از حسن نیت ارائه نشده است، نمی توان به جایگاه دقیق آن در حقوق ایران دست یافت. در قانون مدنی ایران نیز به صراحت از حسن نیت سخنی به میان نیآورده است اما از نظر مفهومی امری بدیع نبوده و در حقوق کشور ما دارای سابقه است، حتی احکام متنوعی نیز بر اساس آن صادر شده است. نمونه هایی از مفهوم حسن نیت در برخی از مواد قانونی ایران قابل مشاهده است که در ذیل به چند مواد اشاره خواهیم کرد: ماده ۳۲۵ قانون مدنی: «اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع کرده باشد او نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارت به بایع رجوع کند اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند، بایع حق رجوع به مشتری را ندارد». با ملاحظه این ماده مشخص می شود که قانونگذار ایران، بی توجه به شخص با حسن نیت نبوده است و از او حمایت کرده است. هر چند ماده ۳۲۳ فرقی میان خریدار با حسن نیت و خریدار با سوءنیت قائل نشده است اما این حکم برای تسهیل مالک جهت وصول و دست یابی به مالش است نه اینکه خریدار با حسن نیت را نخواهد مورد حمایت قرار دهد. ماده ۲۶۳ «در مورد معامله فضولی نیز وضع بدین منوال است و خریدار با حسن نیت مورد توجه و حمایت قانون گذار قرار گرفته است. پس اگر در معامله فضولی، یکی از طرفین قرارداد جاهل به فضولی بودن مال داشته باشد (یعنی دارای حسن نیت باشد) حق دارد برای دریافت ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند که این رجوع از باب حمایت قانون گذار از خریدار با حسن نیت است». از جمله موارد دیگر قابل استناد به توجه قانونگذار ایران به حسن نیت مفهوم مواد ۳۲۲ و ۶۵ قانون مذکور و می باشد.

۲- حسن نیت در فقه و حقوق ایران

حسن نیت در فقه اسلام، دینی است که یکی از اهداف آن برقراری عدالت و رعایت انصاف میان افراد می باشد. توجه اسلام به اخلاق به حدی است که در بسیاری از آیات و روایات بدان اشاره شده است. اسلام فقط دین خدانشناسی نیست علاوه بر توجه به خدا، به دنبال ارزش های والای انسانی همچون دوستی، کمک به هم نوع، مدارا با یکدیگر و عدالت خواهی و است. اخلاق در حقوق اسلام مبنای بسیاری از قواعد آن زمان و عصر حاضر قرار گرفته است. حسن نیت نیز یکی از مباحث در حوزه اخلاق می باشد که نظام حقوقی اسلامی توجه ویژه ای بدان داشته است. در قرآن کریم نیز حسن نیت در معنای مختلف به مفهوم راستی و درستی، عدم حيله و نیرنگ، پرهیز از دروغ گویی و ... آمده است. یکی از آیاتی که مورد توجه این امر قرار گرفته است، آیه «... او فو بالعقود» می باشد. البته در مورد تفسیر این آیه نظرات مختلفی ابراز شده است اما در شمول این آیه در مورد حسن نیت می توان گفت عقود در صورتی لازم هستند و باید پایبند به آنها بود که بر خواسته از خواست طرفین قرارداد باشد، یعنی مبنای لزوم عقود، رعایت حسن نیت که همان درستکاری و پرهیز از هرگونه تجاوز در رفتار معاملاتی است. یکی دیگر از آیاتی که قابل ذکر در مورد توجه به حسن نیت در فقه می باشد آیه «تجارت عن تراض» می باشد. آیه مزبور تجارت از راه های باطل و حرام را نهی نموده است و رضایت طرفین را برای امر تجارت شرط دانسته است. آنچه مورد توجه در این آیه است رضایت طرف قرارداد است و رضایت او نیز جز با رفتار منصفانه و پرهیز از هرگونه تقلب و تدلیس حاصل نمی شود. در نتیجه تجارتی که از روی عدالت و طیب نفس باشد، برخواسته از حسن نیت می باشد. آیات مشابه دیگری نیز با مفهوم خود رعایت حسن نیت در قراردادها را لازم دانسته اند و از عموم مردم خواسته است که صداقت و درستی را لازمه تمام امور خود از جمله عرصه تجارت دانسته است.

۳- حسن نیت در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، اصل حسن نیت تا اواخر قرن پانزدهم میلادی جایگاهی نداشت؛ گرایش به این اصل در نتیجه گسترش روابط بازرگانی در قرن شانزدهم میلادی به وجود آمد (طالب احمدی، ۱۳۸۹: ۸۵). اگرچه مفهوم حسن نیت به بطور پراکنده در مقررات این کشور ملاحظه می شود، اما این اصل تا کنون بصورت قاعده ی کلی در هیچ یک از متون قانونی پیش بینی نشده است (قاسمی حامد، ۱۳۷۵: ۸۵). بند ۳ ماده ی ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه بدون آن که به تعریف حسن نیت بپردازد، طرفین قرارداد را مکلف به اجرای با حسن نیت آن می داند. برداشت عمومی در حقوق فرانسه آن است که تمام قرارداد ها بر حسن نیت هستند (حاجی پور، ۱۷۶: ۱۳۸۸) به همین علت، دادگاه ها و علمای حقوق فرانسه، با اخذ ملاک از مقررات پراکنده ای که حسن نیت در آنها به صورت ضمنی آمده است، این اصل را به رسمیت شناخته و در موارد مختلف از نتایج آن پیروی می کنند (شهیدی، ۱۳۸۲/۳: ۱۱۳). ضرورت رعایت حسن نیت در دوره پیش قراردادی به صراحت در قوانین فرانسه پیش بینی نشده است، اما اصل مذکور بر این دوره نیز حکومت دارد (طالب احمدی، ۱۳۸۹: ۸۵). این امر را مرهون نظریات حقوق دانان فرانسوی و رویه دادگاه های آن کشور دانسته اند (قاسمی حامد، ۱۳۸۹: ۹۹). سالی حقوقدان معروف فرانسوی در ابتدای قرن بیستم پیشنهاد نمود تا مفاهیم حسن نیت و رفتار منصفانه، در دوره پیش از انعقاد قرارداد نیز به کار رود و مسئولیت ناشی از عدم رعایت آنها پذیرفته شود.

گفتار سوم: تحلیل اصل حسن نیت در اجرای قرارداد ها در حقوق فرانسه

برای پی بردن به مفهوم حسن نیت در اجرای عقود، شایسته چنان است که بدو نحوه تجلی این اصل را در یکی از خاستگاه های مهم آن یعنی حقوق فرانسه بررسی نماییم. چه، در حالی که مدت های مدید اصل حسن نیت در رویه قضائی این کشور بازتاب چندانی نداشت، امروزه این مفهوم در حقوق این کشور جایگاهی والا یافته و با چهره نمایی بی وقفه خود در اجرای عقود منشأ آثار بسیاری گردیده است. در پرتو این تحلیل، قبول وجود همین قاعده در حقوق قراردادی ایران سهل تر خواهد شد (امامی، ۱۳۵۳: ۱۹۶). اصل حسن نیت در اجرای عقود در حقوق فرانسه ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه، بعد از بیان اصل حاکمیت اراده طرفین قرارداد و نیز مؤثر بودن عقود درباره آنان، به طرح لازم الرعایه بودن حسن نیت در اجرای عقود پرداخته است. مستنبط از قاعده مندرج در بند اول این ماده معروف (۱) این است که قرارداد، به محض جمع شرایط اساسی مقرر برای صحت معاملات، دارای همان قدرت الزام آوری قانون بوده و موجب التزام طرفین به ایفای تعهدات قراردادی می گردد. نتیجه منطقی این قاعده، که در بند دوم ماده تجلی یافته، عدم قابلیت فسخ یک سویه قرارداد است: طرفین نمی توانند بدون توافق مجدد، یا تجویز قانون، آن را فسخ نمایند (صالحی راد، ۱۳۷۸: ۱۰۷). در کنار قواعد یاد شده، مقررات مندرج در بند ۳ این ماده: اصل حسن نیت را بر روابط قراردادی حاکم نموده و بی اراده تعریفی از این اصل، خواهان رعایت آن در اجرای عقود گشته است. از آنجا که این ماده و هیچ یک از دیگر مواد قانون مدنی فرانسه، از حسن نیت تعریفی به عمل نیاورده اند (۲) لازم است بدو به ایضاح دلالت این قاعده پرداخته شود. دلالت حسن نیت مفهومی اساساً اخلاقی است. (۳) متن فرانسوی و رویه قضایی این کشور، این مفهوم را برای «اخلاقی نمودن» حقوق موضوعه به کار برده اند. (۴) به این لحاظ حسن نیت دارای مفهومی یگانه و مشخص نبوده و در هر مورد باید از طریق کاربردهای قضایی آن دریافت شود. (۵) مع الوصف، با توجه به دلالت های این اصطلاح و بر اساس استنباط مفاهیم از موارد دلالت، گفته شده است که حسن نیت «در مرحله اول قابل تعبیر به دیدگاه شناخت، دیدگاه حقیقت و خطا... و در مرحله ثانی، بی آنکه بیانگر حالتی فکری باشد، مبین رفتاری فعالانه است». به این ترتیب این مفهوم در برگرفته دو جنبه مختلف است: ۱- یکی شخصی و ۲- دیگری عینی. ۱- حسن نیت شخصی: (۱) مسلماً حسن نیت متضمن جنبه ای از اخلاق است که می توان از آن به اراده حسن تعبیر نمود. این جنبه در صفاتی همچون وفاداری و صداقت و اجتناب از خدعه و خیانت که از خصایل نیک انسانی است متجلی می گردد. بعضی از مؤلفین با استناد به وجه شخصی حسن نیت اظهار داشته اند که وضع مقرر مندرج در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه به منظور اعلام انتفاع

تقسیم رومن‌ها بین حقوق محض و قراردادهای با حسن نیت بوده است. (۲) برای درک بهتر این نظر یادآور می‌شود که در دوره ای از ادوار تاریخ روم قدیم رضای طرفین، فی نفسه، برای ایجاد التزام حقوقی کامل کفایت نمی‌کرده بلکه برای تحقق این امر می‌بایستی رضای متبادله در قالب خارجی معینی نمود یابد. (۳) در این دوره، اقدامات حقوقی محض بر امور داخل در این محدوده مضیق دلالت داشته و قاضی مأخوذ به اعمال دقت و سختگیری در آن بوده است؛ اما به تدریج این حقوق خشن بدوی در برابر ضرورت‌های عملی رنگ می‌بازد و همراه با آن حسن نیت نیز جایگاهی حقوقی می‌یابد (صاحبی، ۱۳۷۶: ۱۷۷). در این مرحله قاضی مجاز بوده است در شرایط محدودی به ارزیابی حسن نیت یا سوء نیت طرفین بپردازد. شاید به این لحاظ در تعریف حسن نیت گفته شده است که حسن نیت عبارت است از «حالت مبین اعتقاد یا اراده انطباق با حقوق که به ذینفع اجازه می‌دهد از سخت‌گیری قانون مصون بماند». به موجب این تحلیل، اگر نویسندگان قانون مدنی فرانسه به اجرای با حسن نیت قراردادها تأکید ورزیده اند، این بدان معنا است که آنان خواهان ترک اقدامات حقوقی محض و لحاظ حسن نیت در قراردادها بوده اند. بر این اساس، تنها اقتضای حسن نیت در اجرای عقود کشف اراده مشترک طرفین است؛ لذا روح قرارداد باید بر عبارت آن رجحان داشته و مفسر مجاز باشد با گذر از عبارات مندرج در قرارداد و کشف روح آن، محتوی قرارداد را «حسب اندیشه طرفین و مطابق هدفی که از انعقاد آن منظور بوده» تعیین نماید. جنبه شخصی حسن نیت را از طریق استعمال واژه‌های متضمن مفهوم مخالف آن، یعنی سوء نیت، خدعه، تقلب نیز می‌توان درک نمود: (۱) در این منظر پوتیه اظهار داشته است: «حسن نیتی که باید در قرارداد بیمه، همچنان که در همه قراردادهای دیگر، حکومت کند هر یک از متعاقدين را مکلف می‌سازد که آنچه را که درباره موضوع قرارداد می‌دانند از طرف دیگر پنهان نمایند زیرا اختفاء یک تقلب است». (۲) به عبارتی دیگر، به موجب این نظر، اصل اعتمادی بودن عقد ایجاب می‌کند که متعاقدين یکدیگر را از واقعیاتی که در هر نظام حقوقی مبنای اعتمادی شدن عقد است مطلع سازند. (۳) با این همه، همچنان که بسیاری از حقوق دانان فرانسوی اعلام داشته اند، حسن نیت در مفهوم صرفاً شخصی، که در مقابل سوء نیت قرار دارد، همه حقیقت آن را عیان نمی‌سازد. این مفهوم واجد جنبه عینی هم هست.

۲ - حسن نیت عینی (۱) حسن نیت در مفهوم عینی، که مفهوم دقیق آن نیز هست، عبارت است از: «رفتاری صادقانه (یا کم و بیش معمولی) که خصوصاً اجرای تعهد آن را اقتضا می‌نماید». (۲) به این ترتیب حسن نیت در مفهوم عینی «نه حالتی روحی بلکه رفتاری فعالانه را تصویر می‌سازد». (۳) در این منظر رعایت حسن نیت به معنای رجوع به یک ارزش خارجی فراتر از روان متعاقدين مانند «رجوع به عرف، به یک قاعده اخلاقی در رفتار، یا حتی به نحو بدیهی به عقل سلیم است». (۴) این حسن نیت را که متضمن نمودی عینی در رفتار نمی‌توان از طریق مفهوم مخالف آن، یعنی سوء نیت، بازشناخت. در واقع، سوء نیت یک ویژگی روانی و به سان یک حالت ذهنی مبتنی بر «میل یا آگاهی به ایراد خسارت» است. (۱) در حالی که حسن نیت عینی لازم‌الرعایه در اجرای قراردادها، مفهومی بیشتر مادی است که ناظر بر رفتار شخص در برابر وضعیت‌های مختلف است (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۵۸۲). در این مفهوم برای آنکه اجرای عقود مقرون به حسن نیت باشد لازم است که طرفین رفتار مثبتی، که بیش از امتناع از سوء نیت است، داشته باشند. در واقع حسن نیت در اجرای قرارداد، نه در اندیشه و اراده بلکه در اعمال خارجی متجلی می‌گردد. دوگانگی مفهوم حسن نیت مورد تأیید بسیاری از حقوق دانانی است که در این زمینه به تحقیق پرداخته‌اند. آن علاوه بر حسن نیت شخصی، در مفهوم خودداری از اندیشه متقلبانه، به حسن نیت دیگری قائل گردیده‌اند که مبتنی بر درستی در رفتار و رعایت الگوهای متعارف در روابط قراردادی است. به عنوان مثال، ووان، اظهار می‌دارد که «حسن نیت شخصی» مبتنی بر ملاحظه درونی و دریافت حالات روحی شخص است؛ اما «حسن نیت عینی» همچون قاعده ای که به صورت عام حقوق هر کس را محو یا ایجاد تعهد می‌کند متظاهر می‌گردد. (۲) همچنین لو تورنو بیان می‌دارد که حسن نیت را می‌توان به نحو مثبت یا منفی بررسی کرد: «در وجه مثبت، حسن نیت در رفتار، به قاعده بی در رفتار، تکلیف به صداقت، که خود متضمن نتایج بسیاری است، تعبیر می‌شود، در وجه منفی مفهوم حسن نیت را از متضاد آن یعنی سوء نیت می‌توان دریافت». (۳) نتیجه آنکه هیچ نوع برابری مطلق بین سوء نیت و فقدان حسن نیت وجود ندارد. «مسلماً متعاقدی که حسن

نیت ندارد می‌تواند اضافه بر آن سوء نیت هم داشته باشد، اما مسأله می‌تواند به نحو دیگری نیز مطرح شود؛ بنابراین (۱) با عنایت به شرح فوق به نظر می‌رسد که بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه، نه حسن نیت شخصی بلکه، به منظور تعیین روش اجرای قراردادها، حسن نیت عینی را مطمح نظر قرار داده است. در واقع، اگر قانون طرفین را به رعایت حسن نیت در اجرای قرارداد، مکلف کند این امر برای آن است که آنان با تبعیت از قواعدی معروف، رفتاری خاص را پیشه کنند و نه این که از سوء نیت اجتناب نمایند. (۲) مضافاً به اینکه چنانچه اجرای با حسن نیت قراردادهای به نداشتن سوء نیت تعبیر شود اثر چندانی بر این اصل مترتب نمی‌شود، چرا که در بسیاری از قراردادها نداشتن سوء نیت تأثیری در نتیجه اجرای تعهد نخواهد داشت. به عنوان مثال، بود و نبود سوء نیت در خریدار یا فروشنده ای که به لحاظ اجرای عقد بیع، مکلف به پرداخت ثمن معامله یا تسلیم مبیع می‌باشند تأثیری در نتیجه اجرا (تأدیه ثمن و تسلیم مبیع) نخواهد داشت. همچنین است سوء نیت یا حسن نیت موجر و مستأجر که با التزام به عقد اجاره ملکف به تحویل عین مستأجره و تأدیه مال الاجاره اند (حائری، ۱۳۵۳:۱۹۶). لذا اظهار نظر بر اینکه «حسن نیت در قراردادهای به این معنی است: که طرفین قرارداد قصد حيله و نیرنگ نداشته باشند»، (۳) نمی‌تواند مبین حقیقت رعایت اصل حسن نیت در اجرای قراردادها باشد. زیرا، چنانکه گفته شد، معیار در بررسی وجود یا عدم حسن نیت در اجرای قراردادها رفتار طرفین قرارداد است و نه قصد و اندیشه آنان. حسن نیت در اجرای قراردادها مستلزم به جای آوردن رفتاری فعالانه است و باید به نحو عینی مورد ارزیابی قرار گیرد، به این لحاظ، چنانچه بتوان از عنصری اخلاقی در حسن نیت نام برد بیشتر باید به اخلاق اجتماعی توجه داشت تا فردی، چرا که حسن نیت آنقدر که به تطابق رابطه حقوقی با عرف انسان‌های شایسته دلالت دارد به حالت درونی اشخاص مربوط نمی‌شود. (۱) بدین ترتیب «رعایت حسن نیت» در اجرای قراردادهای به چیزی جز «عمل به وجه معروف» در این زمینه قابل تعبیر نمی‌باشد. با انطباق این دو مفهوم است که می‌توان در حقوق ایران نیز حکومت حسن نیت در اجرای قراردادهای را امری مسلم دانست. فصل دوم حسن نیت یا «عمل به وجه معروف» در اجرای قراردادها در حقوق ایران دیدیم که حسن نیت در مفهوم ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه معیاری برای مقایسه رفتار هر یک از متعاقبین با نمونه معمول رفتار اجتماعی است. در واقع حسن نیت نمونه مثالی مفهوم معیار است. با تجویز معیارها «مقنن، قاضی را به ارزیابی و اعمال ضمانت اجرای رفتارها یا وضعیت‌ها، با مراجعه به متعارف و معمول و نظام ارزش‌های حاکم، دعوت می‌کند». (۲) لذا مراد از رعایت حسن نیت، ملحوظ داشتن معهود و عمل به شیوه معمول مردم خردمند است. اقتضای اجرای با حسن نیت قراردادهای، اجرا بر اساس متعارف یا به نحو کلی بر «معروف» قراردادی است و قاضی باید آنچه را که در اجرای قراردادها متعارف و معمول است به عنوان جزئی از تعهدات مذکور در قرارداد منظور نماید. به شرح فوق، هر چند که قانون مدنی ما از رعایت حسن نیت در اجرای قراردادهای نام نبرده است لیکن نتیجه عملی این مفهوم را در ماده ۲۲۵ قانون مدنی، در قالب عبارت تکلیف به رعایت «متعارف در عرف و عادت» بر اجرای عقود حاکم نموده است. مطابق ماده مرقوم: «متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد به منزله ذکر در عقد است».

بر این اساس همه تکالیف و آثاری که از باب تعارف عرفی از لوازم و تبعات قرارداد است، همچون تسلیم و تسلیم در عقد بیع، بدون نیاز به تصریح، از مدلولات عقد بوده و الزام آور است. (۱) بر خلاف نظر بعضی حقوق دانان که ماده ۲۲۰ قانون مدنی را مستند اجرای با حسن نیت قراردادها دانسته‌اند، (۲) یا با یکسان دانستن محتوای این ماده و ماده ۲۲۵ قانون مدنی هر دو ماده را در مقام بیان یک حقیقت و هر دو را مبنای رعایت حسن نیت در اجرای عقود تلقی نموده‌اند، (۳) یا ماده ۲۲۵ را تأکیدی بر ماده ۲۲۰ به شماره آورده‌اند، (۴) به نظر می‌رسد که دلالت این دو ماده تفاوت ظریفی نهفته است. در واقع ماده ۲۲۰ قانون مدنی مشعر بر اینکه: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای آن چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند»، که مقتبس از ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی فرانسه است، (۵) به اصل الزام آور بودن آثار عرفی و قانونی عقد اشاره دارد. به موجب این اصل از یک طرف، متعاقبین به کلیه نتایج عرفی قرارداد، ولو اینکه این عرف، عرف خاص گروه یا صنف معین یا عرف منطقه ای

خاص باشد مأخوذ می‌باشند. لذا حتی اگر این عرف برای یکی از طرفین یا دادگاه رسیدگی کننده به پرونده مجهول و ناشناخته بوده باشد باید به عنوان یکی از نتایج حاصل از قرارداد تلقی شود. از طرف دیگر، در صورت تردید در وجود چنین عرفی، بر مدعی است که وجود آن عرف و حکومت آن را بر قرارداد ثابت نماید. لیکن ماده ۲۲۵ قانون مدنی نه بر هر عرف و عادت بلکه به «عرف و عادت» که «متعارف» بوده باشد اشاره دارد. (۱) مراد از این «عرف» همان «معروف»، یعنی معتاد و متداول و امر مأنوس و مقبول خردمندان است (۲) و نه عرف خاص یعنی عرف متداول در محل معین یا بین صنف و گروهی خاص، به بیانی دیگر، معروف همان عرف و عادت مسلم و منظور از آن «عرف و عادت جامعه است به امری که در نتیجه تکرار، افراد به آن انس مفرط پیدا نموده اند که عمل بر خلاف، چندان منکر جلوه می‌دهد که احساسات افراد را بشدت جریحه دار می‌نماید.» (۳) اصطلاح معروف در همین معنا در آیات متعددی از قرآن کریم نیز به کار رفته است. چنانکه صاحب تفسیر شریف المیزان در شرح واژه «معروف» در آیه مبارکه «... و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف ...» (۴) فرموده اند «معروف به معنای هر عملی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بدانند و با آن مأنوس باشند و با ذائقه یی که اهل هر اجتماعی از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می‌آورد سازگار باشد ... آن عملی معروف است که هم طبق هدایت عقل صورت گرفته باشد و هم با حکم قراردادی چنان بدیهی است که نه نیازی به اثبات آن است و نه نیازی به درج آن در قرارداد و با این همه عدم قید آن به منزله تصریح در عقد و در حکم شرط ضمن العقد است (نائینی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). به عنوان مثال در عقد بیع خانه، تحویل سند یا کلید محل مورد معامله یا تحویل فوری مبیع، چنان شناخته شده است که نیازی به تصریح آن در قرارداد نیست. لیکن عرف دیگری که مبنی بر پرداخت متساوی مخارج تنظیم سند رسمی از ناحیه متعاقدين است، نه از مصادیق متعارف یا معروف، بلکه از جمله آثار و نتایج عرفی عقد بیع در بعض مناطق است و چنانچه در این نقاط متعاملین، جاهل بر قضیه نیز بوده باشند، به التزام قهری، مأخوذ به این اثر عرفی خواهند بود. همچنان که اگر عرف ناحیه یی از نواحی کشور پرداخت این مخارج را منحصرأً به عهده فروشنده بدانند، با اثبات چنین عرفی از سوی مدعی، طرف جاهل بر این اثر ملتزم خواهد بود. با عنایت به آنچه گذشت اگر مطابق نظر دیوان کشور فرانسه و مستنداً به اجرای با حسن نیت قراردادهای سیم کش برق باید اخصر طرق را برای سیم کشی انتخاب کند، (۱) در حقوق ایران نیز می‌توان مبنیاً بر ماده ۲۲۵ قانون مدنی و مستنداً به تکلیف به انجام تعهد به وجه معروف، قرارداد مذکور را متضمن همان تعهد دانست. حال آنکه مستند قرار دادن ماده ۲۲۰ قانون مدنی برای این تکلیف، متضمن این اشکال است که نمی‌توان گفت صاحبان این حرفه را قطعاً چنین عرفی است. (۲) به این ترتیب گر چه حسن نیت، با تحمیل بعضی تکالیف به طرفین قرارداد، امکان گسترش دامنه محتوای قراردادها را فراهم می‌سازد ولی این مفهوم اجازه ادخال تعهداتی، بیش از تعهدات معروف در آن مقوله از قرارداد را به دادگاه نمی‌دهد. با تشخیص نحوه عملکرد حسن نیت در قراردادهای، تفاوت نقش آن با مفهوم عدالت و انصاف هم آشکار می‌شود. در واقع، هر چند که هر دو مفهوم امکان مداخله دادگاه در گسترش تعهدات قراردادی را فراهم می‌سازند ولی هر یک این نقش را از منظری متفاوت ایفاء می‌نمایند: «در حالی که حسن نیت، به نوعی با حرکت از درون، مراقب اجرائی صادقانه از جانب هر یک از طرفین است، عدالت این عمل را خارج از قرارداد و از جایگاهی به مراتب رفیع تر، که عبارت از جایگاه دادگستری و انصاف است، انجام می‌دهد.» (۱) لذا هر چند که بعضی از مؤلفین هر دو مفهوم را در کنار یکدیگر استعمال نموده اند ولی تعبیر صحیح تر آن است که گفته شود این دو مفهوم، که در قانون مدنی فرانسه نیز در دو ماده مختلف از آنها سخن رفته، هر یک دلالتی خاص دارند. (۲) در واقع هر چند هر دو مفهوم توان اخلاقی نمودن قراردادها را دارند و شاید به این مناسبت حسن نیت «أخت العداله» خوانده شده است، اما این جهت مشترک موجب نادیه انگاشتن خصیصه مستقل هر یک از این دو مفهوم نتواند بود: حسن نیت، در محدوده تعهدات مصرح در قرارداد بر اجرای صحیح و صادقانه آن نظارت می‌کند، در حالی که عدالت به نحوی مستقیم مجوز ادخال تعهدات جدیدی است که گاه حتی برای متعاقدين قابل پیش بینی نبوده است. به علاوه ادخال تعهدات مبتنی بر عدالت در قراردادها، از باب حفظ مصالح کلی جامعه بوده و نقض آن موجد مسئولیت عینی یا مسئولیت بدون تقصیر است. در حالی که توقع اجرای با حسن نیت قرارداد توقع بروز حالت یا رفتاری است که ترک آن موجد مسئولیت مبتنی بر خطا است. در واقع، آنچنان که گروهی از حقوق دانان بیان کرده اند، خطا عبارت است از انجام عملی غیر منطبق با بعضی الگوهای رفتاری، به بیانی دیگر خطا

چیزی جز اشتباه در رفتار نیست و این امر معمولاً بر اساس نمونه انتزاعی انسانی صحیح العمل ارزیابی می‌شود. برای اینکه مسئولیت بر خطا مبتنی شود لازم است که رفتار هر یک از متعاقدین مورد قضاوت قرار گیرد و آنچه که هر یک به جا آورده اند با آنچه که می‌بایستی به جا آورده شود مقایسه گردد. با توجه به آنچه در خصوص حسن نیت گفته شد و از آنجا که حسن نیت بیش از آنکه به حالت درونی اشخاص مربوط باشد به تطابق اجرای قرارداد با متعارف خردمندان و شایستگان دلالت دارد، به ارتباط نزدیک بین خطا و عدم رعایت حسن نیت پی می‌بریم (صفایی، ۱۳۵۱: ۱۷۹). این ارتباط چنان است که استارک حقوقدان فرانسوی گفته است (۱) خطا چیزی جز عدم رعایت قواعد احتیاط و حسن نیت نیست. (۲) ملاحظه می‌شود که از جمله دلالات حسن نیت فقدان خطا است (۳) و خطا، نوعاً، بر اساس عدم اقدام بر وفق حسن نیت ارزیابی می‌شود. (۴) با تبیین تفاوت نحوه تأثیر حسن نیت و عدالت و تحلیل مفهوم اجرای با حسن نیت قراردادها و نمایاندن برابری دلالت آن با اجرای عقود به وجه معروف، لازم است کاربرد اصل حسن نیت بررسی شده و مشخص شود چه اموری را می‌توان از آن استنتاج نموده و چه تعهداتی را بر آن بنیاد نهاد.

گفتار دوم: آثار اجرای با حسن نیت قراردادها بدو متذکر می‌گردد که متعهد قراردادی ملزم به انجام همه تعهدات مصرح در قرارداد است و حسن نیت در اجرا نه تنها مجوز معافیت از وفای به عهد در صورت بروز وضعیت‌های پیش بینی نشده نیست، بلکه بارزترین نمود حسن نیت همان پای بندی به اجرای تعهدات است (رسائی نیا، ۱۳۷۶: ۸۷). لذا بر خلاف عقیده بعضی از طرفداران نظریه عدم پیش بینی (۱)، نظریه یاد شده قابل ابتناء بر حسن نیت نمی‌باشد. (۲) با این حال نباید تصور کرد که مفهوم اجرای با حسن نیت قراردادها صرفاً همان اجرای تعهدات مذکور در عقد است چه اگر مفهوم رعایت حسن نیت در اجرای عقود همان پای بندی به وعده‌های ابرازی باشد، با توجه به اینکه بند اول ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه (۳) این معنا را به وجهی صریح بیان داشته دیگر نیازی به تکرار عبارتی برای تبیین یا متمیم لزوم اجرای عقود نمی‌بود. چون نتیجه بدیهی اصل الزام آوری قراردادها واجب الوفاء بودن همه تعهدات قرارداد است، اجرای با حسن نیت قراردادها اصلی متفاوت و مکمل بر قاعده لازم الاجرا بودن تعهدات پذیرفته شده در قرارداد است. در واقع آثار رعایت تحسن نیت قراردادی در اجرای عاقلانه تعهد اصلی و نیز در انجام تکالیف و تعهدات تبعی بسیار دیگر متجلی و متظاهر می‌گردد که چون در این مقال، مجال بازگویی آن همه فراهم نیست، به قصد نمایاندن نحوه مبنا سازی حسن نیت، به بیان کاربرد آن همچون مبنایی برای تعهدات ضمنی ایمنی و نیز معیاری برای تمیز محتوای تعهدات بسنده می‌گردد. این مختصر خود طریق کشف تکالیف و آثار بسیاری دیگر از اصل مرقوم را به دست خواهد داد. فصل اول حسن نیت مبنای تعهد ضمنی ایمنی چنانکه گفته شد رعایت حسن نیت در اجرای قرارداد به رعایت عرف عقلا یا قاعده‌ی عقلانی در ایفای تعهدات نیز قابل تعبیر است. بر این اساس متعهد نمی‌تواند قرارداد را آنچنان که دلخواه اوست اجرا نماید بلکه مکلف به اجرای معقول آن است. بدیهی است در این منظر، اجرای عاقلانه تعهد جز به پدیداری هدف قراردادی نمی‌انجامد لیکن با اجرای بخردانه تعهد، نتیجه حاصله بسی مطلوب تر و پذیرفتنی تر خواهد بود. به عنوان مثال اگر سیم کشی که مطابق اصل حسن نیت ملزم به انتخاب کوتاه ترین راه برای سیم کشی است، طولانی ترین راه را هم برگزیند غرض غایی از اجرای تعهد حاصل خواهد شد لیکن گذر سیم از طریق اقصر، مطلوبتر و به شیوه عمل عقلاً نزدیکتر است. پس آنگاه که شیوه و نحوه اجرای تعهدات قرارداد صراحتاً پیش بینی نشده باشد، متعهد باید تعهد خویش را به نحو مورد انتظار از انسانی عاقل ایفاء نماید. در این راستا، انگیزه شناسی در انعقاد پیمان‌ها یکی از اسباب هدایت گر قاضی در ارزیابی شیوه رفتار متعاملین است. در موارد بسیار، طرفین قرارداد خواهان نیل به نتیجه، به هر آن شکل که باشد، نیستند بلکه آنان قصد ظهور نتیجه‌ی معقول و متعارف را دارند. به عنوان مثال در قرارداد ساده‌ی چون قرارداد منعقد بین مشتری و متصدی رستوران غذاخوری، هدف مراجعه کننده صرفاً رفع جوع نیست بلکه او با اطمینان به طرف و بر حسب نوع و درجه رستوران و قیمت اغذیه و دیگر عوامل، به مسائلی چون نحوه ارائه خدمات، کیفیت و بهداشتی بودن غذا هم می‌اندیشد. یا در قرارداد حمل مسافر، که تعهد اصلی و عنصر اساسی آن جابجایی معوض مسافر از محلی به محل دیگر است، (۱) متصدی حمل و نقل با اخذ کرایه مأخوذ به انتقال مسافر به محل منظور است. لیکن نامبرده بر اساس حسن نیت قراردادی مکلف به

انجام تکالیف دیگری نیز می باشد که از آن جمله است: حمل مسافر در مهلت متعارف و معقول، تکلیف اخیر، یعنی تعهد تبعی حمل مسافر در ظرف زمانی معین، مصداقی از اجرای عاقلانه تعهد اصلی است. با این همه محتوی قرارداد محدود به اجرای عاقلانه تعهد اصلی مندرج در قرارداد نبوده بلکه گاه مشتمل بر ایفای تکالیف دیگری است. در واقع شرایط خاص اجرای هر قراردادی می تواند تعهدات ضمنی بسیاری را به همراه داشته باشد (امامی، ۱۳۵۳: ۱۷). به موجب قاعده حسن نیت هر یک از طرفین باید چنان عمل کند که موضوع قرارداد برای طرف دیگر مفید واقع شود زیرا «وجود تعهدات نه کورکورانه و خود به خود، بلکه هدفدار است». (۲) دموگ، با نظریه هدف، حسن نیت قراردادی را وسیله ای برای توسعه محتوای قرارداد می داند. برای این توسعه حقوق دانان، «طرفین قرارداد جهان کوچکی می سازند شرکت کوچکی که در آن» هریک باید برای رسیدن به هدفی مشترک، که مجموع هدف های فردی مورد نظر هر کدام است، کار کند. درست همانند شرکت مدنی یا تجاری. (۳) اگر چه عده ای این نظریه را افراطی یافته اند، اما اینقدر هست که انسان معقول نمی تواند به هدف قراردادی بی اعتنا باشد. به همین نحو پیش بینی حوادثی که سلامت و امنیت طرف قرارداد را تهدید می کنند و نیز اتخاذ تدابیر لازم برای دفع این خطرات، جزئی از تکالیفی است که حسن نیت از متعهد طلب می کند. در این عرصه، هر چه اجرای قرارداد خطر آفرین تر باشد این تکلیف افزون تر است. به بیانی دیگر، اصل حسن نیت آفریننده فرض صلاحیت است و از لوازم این فرض اینکه متعهد، به هنگام اجرای تعهدات، موازین تضمین کننده سلامت طرف را خواهد داشت. احتیاط در عمل و تمهید طرق مؤثر در رفع خطر نیازی به تصریح در عقد ندارد. حسن نیت چونان عنصر اساسی قراردادها را ایجاب می کند که متعهد، به قدر متعارف، از خطرات ممکن الحدوث در حین اجرای عقد آگاه باشد و بر دفع آن کوشا. این تکلیف بر هر متعهدی، خصوصاً ارباب حرف، که علی الاصل صالح تر از دیگر کسانند استقرار می یابد (صالحی راد، ۱۰۷: ۱ ش ۲۵). زمانی که ایفای تعهد، اقدام در حیطه تکلیف شغلی است توقع از متعهد افزون تر است. در چنین حالتی حسن نیت اقتضاء می نماید که وی همه کوشش خویش را برای شناسایی خطرات به کار برد. تا انتظار است که او، به دلیل صلاحیتش، منفعلانه به انتظار حادثه نشیند بلکه فعالانه آن را بپاید و براند. با اعمال این اصل می توان در قراردادهای متعددی متعهد را مأخوذ به رعایت و اعمال موازای معقول رافع خطرات و مسئول حوادث ناشی از اهمال در این مهم دانست. این احتیاط در همه قراردادها به یک شکل نمایان نمی شود. در واقع اقتضای حسن نیت، در آنچه که مربوط به ایمنی طرف است متنوع بوده و بستگی به وضعیت خاص هر قرارداد دارد. با این حال می توان تجلی این تعهد را در دو صورت کلی ملاحظه نمود: ۱ - تعهد ایمنی در اجرای تعهد اصلی و منصرف از حالت طرف قرارداد. ۲ - تعهد مراقبت بر سلامت متعهد له به لحاظ حالت ویژه او. ۱ - تعهد ایمنی اجرای تعهد اصلی بنیان عقود مبتنی بر اعتماد مشروع است. این وجه ایجاب می کند که متعهد برای اجرای عقود به واقع صالح بوده و قدرت بر ایفاء تعهدات را با رعایت همه مقررات ایمنی ناظر بر آن داشته باشد. با این حال مقتضای حسن نیت در خصوص ایمنی طرف بیش از رعایت مقررات حرفه ای است. چه بخشنامه ها و دستور العمل های ناظر به کیفیت انجام حرفه، توانائی شمارش پیشاپیش همه موازین مرتبط با سلامت متعهدله را ندارند (مکرم راه، ۱۳۷۸). حسن نیت ایجاب می کند که متعهد، خود فعالانه و جستجوگرانه، این معیارها را بیابد و بکار بندد. بر این مبنا، فی المثل، قرارداد منعقد با هتل، که موجد تعهد اسکان مشتری است، زاینده تکلیف رعایت ایمنی این یک نیز می باشد. متصدی هتل نه تنها متعهد می وشد که اطاقی در اختیار مشتری قرار دهد بلکه علاوه بر آن ملکف به تعهدی می شد که مکمل لازم آن است: تأمین آسایش و بطریق اولی ایمنی او. (۲) رویه قضائی فرانسه مستمراً هتل داران را بر این تکلیف ملتزم یافته است. از آن جمله است رأیی که به موجب آن متصدی هتلی مسئول غرق شدن کودکی در استخر هتلی شناخته شده است: (۳) شرح دعوا این بوده است که زوجی به همراه فرزندان توأمان سه ساله خویش، بعنوان میهمانان جشن ازدواج، به هتل محل برگزاری مراسم می رود. در خلال جشن، یکی از دو کودک در استخر خصوصی متصدی هتل، که اطراف آن نیز با ردیفی از صندلی محصور بوده است، می افتد و غرق می شود. والدین مقتول با مسئول دانستن صاحب هتل علیه او اقامه دعوی می نمایند. دادگاه استان رسیدگی کننده به پرونده با این استدلال که تکلیف مراقبت طفل بر پدر و مادرش بوده و اینکه بر آنان بوده است که با توجه به خردسالی فرزندانشان مراقبت بی وقفه بی از آنان بعمل می آوردند و اینکه در عین حال متصدی هتل نیز با قرار دادن ردیفی صندلی در کناره های استخر، ایجاد مانع کرده و اینکه نامبرده نمی

توانسته حضور کودکانی چنین خردسال را در جشنی مانع کرده و اینکه نامبرده نمی توانسته حضور کودکانی چنین خردسال را در جشنی در دیر هنگام شب پیش بینی نماید، متصدی هتل را از مسئولیت مبری می نماید. با فرجام خواهی از این رأی، که به استناد ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی صورت گرفت، دیوان کشور با لحاظ این نکته که متصدی هتل در تنسيق تشکیلات آن مکلف به اعمال قواعد احتیاط و مراقبت لازم جهت مشتریانش می باشد و اینکه در ما نحن فیه متصدی هتل، حتی در جشن منعقد در دیر وقت شب، حقاً نمی توانسته از حضور احتمالی اطفال خردسال و خطرات ناشی از رفتار آنان بی خبر شاد و یا اینکه صرف قرار دادن صندلی برای ایجاد مانع، در قبال خطراتی که استخر برای مراجعه کننده یی خردسال ایجاد می کند، طریقی مؤثر و کافی برای حفظ ایمنی آنان تلقی نمی شود، با نقض رأی صادره، متصدی مزبور را مسئول غرق شدن کودک می شناسد. همچنین به موجب رأی دیگری، متصدی هتلی، به لحاظ نزدودن یخ محوطه ورودی ساختمان که باعث سقوط و صدمه یکی از مشتریان هتل گردیده بود، مسئول شناخته شده است. تعهد ایمنی قراردادی محدود به رعایت جوانب احتیاط در انجام تعهد اصلی نیست. بلکه گاه متعهد، با توجه به حالت ویژه متعهد له، مکلف به انجام اقدامات تکمیلی دیگر است. تعهد مراقبت بر سلامت متعهدله بل لحاظ حالت ویژه او تعهد مراقبت از سلامت طرف قرارداد که زائیده تکلیف عمل به وجه معروف است، دلیل وجودی خویش را یا در جهل طرف از خطر می باید یا در ناتوانی او در مقابله با آن، به این لحاظ مراقبتی که متعهد به آن مأخوذ است یا تعهد به تحذیر است یا نظارت بر رفتار طرف برای محافظت از او در برابر خطرات الف: تعهد به تحذیر جدای از متون قانونی. رویه قضائی فرانسه نیز به وجهی عام و مستقل تعهد دادن اطلاعات را تعهد ضمنی بسیاری از قراردادهای می داند. این تعهد بر اساس حسن نیت که باید در روابط طرفین، خصوصاً در مرحله اجرای قرارداد حکومت کند قابل توجیه است. هر چند این تعهد نقشی اساسی در تضمین مفید بودن موضوع قرارداد نیز دارد لیکن غالباً در خدمت تضمین ایمنی طرف است چرا که امتناع از دادن اطلاعات می تواند نوعاً به لطمه به سلامت جسمانی دیگری منتهی شود. گفته شد که دلیل عمده ای که موجب استقرار این تعهد بر متعهد است، جهل متعهد له از خطری است که او را تهدید می کند. لذا برای اینکه تعهد اعلام خطر، در محدوده عمل به وجه معروف، قابل توجیه باشد باید که متعهد خود بر آن خطرات واقف بوده یا لاقلاً امکان وقوف بر آن ها را داشته باشد. با این وجود، این شرط به آسانی بهانه ای بر نا آگاهی از خطر یا توانایی بر رفع آن نتواند بود. هر گاه که متعهد حرفه ای باشد، این خصوصیت او را از استناد جستن به فقد اطلاعش مانع می شود. در اینگونه موارد بر متعهد است که با استطلاع امکان ارائه آگاهی را بیابد. پیداست که لزوم تعهد آگاهانیدن از خطر در فرضی است که متعهد له خود بر آن واقف نباشد. هر گاه خطر چنان عیان باشد که طرف قرارداد خود امکان دانستن و دوری جستن از آن را داشته باشد موضوع تحصیل حاصل است. عقل سلیم نمی پسندد که شخص به اعلام بپردازد... تعهد که مبنای مناسب آن حسن نیت در اجرای قرارداد است فروشندگان و نیز تولیدکنندگان کالاها را، خصوصاً هنگامی که محصولات خطرناک یا جدید بوده باشند، مکلف به اعلام خطرات شیء می نماید. ب: تعهد نظارت بر رفتار متعهد له به منظور حفظ ایمنی او علی الاصل، زمانی که اجرای تعهد اصلی متضمن فعالیت خطر سازی از ناحیه متعهد له نیست متعهد تکلیفی جز اتخاذ تدابیر لازم در حسن عملکرد تعهد اصلی ندارد؛ اما هنگامی که منشاء خطر، فعالیت خسارت آفرین طرفی است که خود قدرت درک خطر یا مقابله با آن را ندارد، متعهد برای رفع خطرات تهدید کننده ایمنی او ملزم به مراقبت از طرف است. این تعهد در قراردادهایی که موضوع آنها انجام امری به نفع کودکان یا بیماران است به نحو بارزی ظهور می یابد. در واقع، قرارداد هایی که موضوع آن انجام فعالیتی به نفع کودکان است موجد تعهد ضمنی نظارت بر فعالیت اطفال برای حفظ ایمنی آنان است. از جمله این قراردادهای منعقد با مدارس است که مسئولین مدرسه علاوه بر تعهد اصلی تدریس، مکلف به مراقبت از دانش آموزان نیز می باشند. همچنین در قراردادهای طبی، مانند قرارداد منعقد بین بیمار و درمانگاه، رویه قضائی فرانسه، با استناد به حسن نیت و اعتمادی که بیمار به مسئولین می نماید، وجود تعهد ضمنی مراقبت را تأیید نموده است. به موجب این تعهد، درمانگاه، با توجه به حالت بیمار، مکلف است بر بیمار چنان مراقبت نماید که او با اعمال عمدی یا غیر عمدی خود یا دیگر بیماران، دچار لطمه جسمانی نشود. این تعهد خصوصاً در مورد درمانگاه های روانی و اعصاب، سنگین تر است. مسئولین این درمانگاه ها مکلفند با توجه به حالات و واکنش های عصبی بیماران بر آنان نظارت داشته و حتی از بیمار بستری شده بر تخت کنار پنجره یی که آرام بخش های قوی مصرف

نموده مراقبت شبانه به عمل آورده و او را تنها رها ن سازند. نقش حسن نیت تنها در بجا آوردن رفتار فعالانه توأم با مراقبت، به عنوان اساس تعهد ایمنی و با دیگر تعهدات ضمنی، خلاصه نیم و شد بلکه این مفهوم مبنای بازشناسی محتوای تعهدات قراردادی هم تواند بود. فصل دوم حسن نیت قراردادی معیار تمیز تعهد به وسیله از تعهد به نتیجه بحث در خصوص معیار بودن قاعده حسن نیت، یا اجرای به وجه معروف قراردادها، در تمیز طبیعت تعهدات مستلزم آگاهی از اصل تقسیم یاد شده است. ۱- اصل تقسیم تقسیم تعهدات به تعهد به وسیله (۲) و تعهد به نتیجه در مقام توضیح تفاوت طرق اثبات مسئولیت قراردادی است. هر چند مطابق اصول کلی حقوق مربوط به اثبات، متقاضی جبران خسارت مکلف به ارائه و اثبات شرایط و جهات مقرر بر مسئول دانستن مدعی علیه است لیکن در زمینه مسئولیت قراردادی، سوال اساسی این است که آیا مدعی می تواند به اظهار عدم تحقق نتیجه منظور از عقد بسنده کند یا باید ارتکاب خطا از ناحیه متعهد را نیز اثبات نماید: در حقوق فرانسه پاسخ به سوال مذکور را در دو متن متفاوت (مواد ۱۱۳۷ و ۱۱۴۷ قانون مدنی) می توان یافت که بین آن دو اگر تعارض نیست، لااقل تراحم مشهود است. بموجب ماده ۱۱۳۷، مذکور در بخش تعهد تأدیه تعهد به مراقبت بر حفظ شیئی، خواه موضوع عقد به سود یکی از دو طرف باشد خواه به سود هر دو، متعهد را به انجام کلیه مراقبت هائی که پدر شایسته خانواده به جای می آورد مأخوذ می سازد چون بنا به دلالت متن فوق اثبات مسئولیت متعهد به مراقبت، منوط به نمایاندن آن است که او چون فردی دلسوز و آگاه عمل نکرده است، مدعی عدم انجام تعهد، برای جبران خسارت خود، ناگزیر از اثبات خطای طرف قرارداد است. برعکس، به موجب ماده ۱۱۴۷ همان قانون، مندرج در بخش خسارات ناشی از عدم انجام تعهد، در صورت اقتضاء، متعهد چه به سبب عدم اجرای تعهد، چه به سبب تأخیر در اجرا به پرداخت غرامت محکوم می شود. مگر آنکه مدلل دارد که عدم اجرا ناشی از علت خارجی غیر منتسب به اوست. مستنبط از این متن آن است که متعهد له خسارت دیده می تواند به صرف عدم تحقق نتیجه، بدون نیاز به اثبات خطای طرف، جبران خسارت وارده به خود را مطالبه نماید. در طی سال های، مساعی حقوق دانان برای جمع مفهوم این دو متن به نتیجه قانع کننده ای منتهی نمی گردید چرا که هیچ یک توضیحی بر دلیل این دوگانگی ارائه نمی نمودند. مشکل صرفاً در صورتی گشوده می شود که پذیرفته شود هر یک از این دو متن بر مقوله جدائی از تعهدات حکومت می کند. در حقیقت، تعهدات مستقر بر ذمه متعهد دارای گستره واحدی نیست بلکه محتوای آن ها، به تفاوت قراردادهای، متفاوت است. گاه متعهد تحقق غایت منظور از عقد را تقبل می نماید و گاه صرفاً متعهد می شود که همه سعی و کوشش خود را برای حصول مأمول به کار برد. دموگ، بر اساس این دوگانگی محتوای تعهدات، با اعمال تقسیمی دیگر در این زمینه، اصطلاحات «تعهد به وسیله» و «تعهد به نتیجه» را برای تبیین تفاوت نحوه اثبات مسئولیت و تمیز این دو مقوله پیشنهاد نموده است. برای این حقوقدان، اگر دلائل لازم التقدیم در همه موارد یکسان نیست، این امر بلحاظ تفاوت محتوای تعهدات است. لذا برای دریافتن اینکه متعهد قراردادی، تحقق نتیجه را تقبل نموده است یا بذل سعی بر تحقق آن راه، لازم است که محتوای تعهد شناخته و دریافته شود. در حالی که تعهدات مذکور در قانون مدنی، که با لحاظ موضوع تعهد، به تعهد انجام و خودداری از انجام عمل و یا تسلیم مال منقسم شده، متضمن هیچ دلالتی در خصوص کیفیت اثبات مسئولیت متعهد قراردادی نیم باشد، تقسیم تعهدات به تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه، به لحاظ توضیح نحوه اثبات مسئولیت قراردادی، دارای بهره عملی فراوانی است. زمانی که موضوع تعهد از مقوله «تعهد به نتیجه» است، صرف عدم تحقق نتیجه موجب مسئولیت متعهد بوده و نامبرده، جز در صورت اثبات علتی از علل معاف کننده، مکلف به جبران خسارات وارده به متعهد له خواهد بود. از این قبیل است تعهد انتقال مالکیت، یا احداث ساختمان یا تعهد تأدیه وجه در این موارد، عدم حصول موضوع قرارداد کافی برای مسئول دانستن متعهد بوده و دیگر نیازی به اثبات خطای او نیست. بر خلاف تعهد به نتیجه، موضوع «تعهد به وسیله» عبارت است از اعمال کوشش پیوسته و اتخاذ تدابیر بایسته برای وصول به هدف منظور در واقع، در این مقوله از تعهدات، متعهد جز ایجاد شرایط معقول برای تحقق نتیجه و سعی و کوشش مقبول برای نیل به هدف تکلیف دیگری ندارد. لذا صرف عدم تحقق نتیجه منظور برای اثبات مسئولیت متعهد کافی نبوده و متعهد له یا خسارت دیده باید وجود خطا یا ارتکاب اشتباهی در نحوه عمل طرف قرارداد را هم اثبات نماید. نمونه معروف قراردادهای متضمن این مقوله از تعهد، قرارداد منعقدہ بین پزشک و بیمار است. با این قرارداد، پزشک مکلف به اعمال همه آگاهی ها و بکارگیری همه توانائی های خویش برای

معالجه بیمار است و نه ارتفاع علت و اعاده سلامت او. چون گستره تعهد پزشک در اختیار نهادن همه امکانات برای شفای بیمار است، بهبود نیافتن بیمار یا شدت بیماری و نیز حتی فوت او، مثبت عدم ایفاء تعهد پزشک نبوده و موجب مسئول دانستن او نمی باشد. عدم ایفاء تعهد و مسئولیت ناشی از آن در صورتی مسلم خواهد شد که ذینفع خطای پزشک یا راتکاب تقصیری را از ناحیه او ثابت نماید. نمونه دیگری از این گونه تعهدات، تعهد وکیل دادگستری در انجام مورد وکالت است. وکیل دعاوی عهده دار اعمال دانش و هنر خویش و سعی در نیل به مقصود است و نه محقق نمودن حتمی خواسته موکل خود، لذا محکومیت در دعوی دلالت قطعی بر عدم اجرای تعهد وکیل ندارد. جوهره تقسیم یاد شده، چنانکه دیده شد، نه مبتنی بر مسئولیت عینی و مسئولیت خطئی بلکه متکی بر تفاوت نحوه اثبات عدم ایفای تعهدات قراردادی است. برای دموگ، مسئولیت قراردادی مستلزم اثبات خطای طرف قرارداد است اما ارائه این دلیل به حس نوع تعهد و تعلق آن به مقول «تعهد به نتیجه» یا «تعهد به وسیله» سهل تر است. بنابراین، اساس این تقسیم مبتنی بر بررسی محتوای تعهد و درک این معنا است که متعهد مأخوذ به چه بوده است: وصول نتیجه یا مراقبت و احتیاط و سعی برای نیل به آن. وقتی تعهد، تعهد به نتیجه است، اثبات عدم اجرای تعهد امر ساده ای است چه صرف عدم تحقق نتیجه دلالت بر عدم اجرای تعهد دارد. لذا بر متعهد است که یا با اثبات حصول نتیجه، بطلان قول مدعی را ثابت کند یا با ارائه دلیل معاف کننده، عذری مقبول بر عدم ایفای تعهد از ناحیه خویش فراهم سازد؛ اما در تعهد موصوف به «تعهد به وسیله» که موضوع آن مبتنی بر سعی در تحقق نتیجه است، خسارت دیده، برای اخذ غرامت مورد ادعا، باید به نحو مثبت نشان دهد که طرف عقد با ارتکاب خطا نقض عهد کرده است. به عبارت دیگر، زمانی که تعهد از مقوله «تعهد به وسیله» است توقع آن نیست که کوشش متعارف متعهد الزاماً به تحقق نتیجه بینجامد. لذا برآورده نشد نه هدف منظور دلالت بر عدم اجرای تعهد ندارد، چه عدم اجرا، که متضمن خطای قراردادی است زمانی تحقق می یابد که آنچه که موعود است به حصول نپیوندد. ملاحظه می شود که این تقسیم نه متضمن معیاری برای تمیز دو مقوله از تعهدات بلکه معین وجود این دوگانگی در تعهدات است. لذا نظر مؤلفینی که بیان داشته اند بر اساس تقسیم یاد شده می توان موضوع دقیق تعهد هر یک از طرفین را هم دریافت، نظری در خور قبول نیست چرا که در نظریه آنان، نتیجه تقسیم همچون منفعت آن انگاشته شده است: در واقع، این نه تقسیم است که اجازه شناخت ماهیت تعهدات را می دهد بلکه، برعکس تفاوت طبیعت تعهدات است که موجب پیدایش این تقسیم گشته است.

گفتار چهارم: حسن نیت در مراحل قرارداد

۱- تفسیر قراردادها

قراردادها باید با این فرض که طرفین در اعلام اراده خود از حسن نیت برخوردارند، مورد تفسیر واقع شوند: اصل حسن نیت به عنوان معیار تفسیر بکار می رود. برخی از قوانین خارجی بر این تصریح دارند که قراردادها باید مطابق حسن نیت لازمه در عرف داد و ستد، مورد تفسیر قرار گیرند و این امر در روح قانون ما نیز نهفته است. این معیار مانع از آن است که یکی از طرفین بتواند از روشی بهره جوید که طرف دیگر از توجه به آن غافل بوده است. در حقوق ما، تلقی عمومی بر این است که همه قراردادها مبتنی بر حسن نیت هستند. در خصوص برخی از قراردادها، نویسندگان به این برداشت اعتراض کرده اند، اما با این حال بنظر نمی رسد که استثنایی (بر این اصل) ایجاد شده باشد. مع الوصف، واقعیت این است که برحسب ماهیت قرارداده، درجه نیاز به حسن نیت نیز می تواند متفاوت باشد (بهرامی احمدی: ۱۳۷۷). بدین ترتیب قرارداد بیمه توانسته به عنوان یک قرارداد توأم با حسن نیت خاص تلقی شود، هرگونه سکوت و کتمان که منجر به جهل طرف دیگر نسبت به شرایط دقیق قرارداد گردد، دارای ضمانت اجرا است؛ اما این بر عهده بیمه گر است که سوء نیت بیمه گزار را اثبات نماید؛ و قضات در بررسی ماهوی با اقتدار کامل به ارزیابی این امر می پردازند. هرگونه اعلام خلاف واقع توأم با سوء نیت از سوی مسبب حادثه، دارای جرمه است هرگونه قید نا صحیح همراه با سوء نیت در گزارشات مکتوب رسمی موجب محدودیت توسل احتمالی به متضرر می

گردد. قرارداد شرکت که مستلزم یک اعتماد پایدار میان شرکاء است، نمونه بهتری در این مورد است. قرارداد وکالت و نمایندگی که در آن وکیل باید قانوناً به نفع موکل خود اقدام کند نمونه ای دیگر است. در صورت تجاوز از اختیارات، موکل ملتزم به عمل حقوقی صورت گرفته از سوی وکیل نیست، اما اشخاص ثالث ممکن است از روی حسن نیت در خصوص قلمرو اختیارات وکیل به اشتباه افتاده باشند و در اینجا است که تئوری نمایندگی ظاهری و توجه به این حسن نیت جهت مسئول شناختن موکل قابلیت اعمال پیدا می کند، این امر در خصوص قرارداد های وکالتی که در قالب عبارات مبهم دو پهلو تحریر شده اند نیز صادق است (جعفرزاده: ۱۳۸۴).

۲- انعقاد قرارداد ها

در انعقاد قرارداد ها یک صداقت متعارف لازم است، هرچند که تدلیس رضا را معیوب می کند. در اینجا نیز، بسته به ماهیت قرارداد، درجه نیاز به حسن نیت تفاوت می کند: یک امر موضوعی که باید توسط قضات به نحو مستدل مورد ارزیابی قرار گیرد. به عنوان قاعده کلی، حسن نیت متضمن تعهد به دادن اطلاعات به طرف دیگر قرارداد در رابطه با بخش ایجابی یا سلبی تعهدات است که از حیثه پیش بینی معمولی طرف دیگر خارج می شود (شهیدی، ج ۳: ۱۳۸۲).

۳- اجرای قراردادها

در اجرای قرارداد ها است که اصل حسن نیت، به معنای وفاداری به عهد و گفتار، بیشترین کاربرد را دارد. اصل بر این است که قرارداد ها باید با حسن نیت اجرا شوند (بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی) (رک. عقود و قراردادها). فسخ قرارداد نیز متکی بر همین اصل اجرای قرارداد به درستی اجرا نشده باشد. قضات ماهوی، حسن نیت یا سوء نیت متعهد را مورد بررسی قرار می دهند. چنانچه شرط فسخی در قرارداد وجود داشته باشد، اثر این شرط منوط به حسن مشروط له است. استثنای عدم اجرا نیز نمی تواند مورد استناد قرار گیرد، مگر از روی حسن نیت و نه در موردی که عدم اجرا ناشی از فعل خود خواهان باشد. بطلان پرداختی که از طریق تسلیم مال غیر صورت گرفته، نمی تواند توسط طلبکاری که مال را دریافت داشته تقاضا شود، مگر اینکه این شخص دارای حسن نیت بوده، یعنی از عدم تعلق مال به پرداخت کننده آگاه نباشد (صفایی، ج ۲: ۱۳۵۱). چنانچه این طلبکار از روی حسن نیت مال تسلیم شده را مصرف کرده باشد، موردی برای استرداد آن باقی نمی ماند. پرداخت صورت گرفته از روی حسن نیت به دارنده (سند) یک طلب معتبر است (ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی). در یک دین نقدی، سوء نیت بدهکار، به طلبکار این امکان را می دهد که خسارات وارده را مطالبه نماید. در روابط طرفین، مسئولیت متعهدی که تعهد خود را اجرا نمی کند برحسب اینکه دارای حسن نیت یا سوء نیت باشد، تفاوت می کند (ماده ۱۱۵۰ و ۱۱۵۳ قانون مدنی) یک اشتباه فاحش عادتاً با تدلیس قابل قیاس نیست و رویه قضایی یک چنین اشتباهی را از حیث ضمانت اجرا معادل تدلیس نمی گیرد، مگر در موردی که جهل ظاهری در واقع یک سوء نیت واقعی را در بطن خود پنهان کرده باشد. اگر وجه التزامی مورد توافق واقع شده باشد، قضات از اختیار خود برای تعدیل آن تنها به نفع بدهکار با حسن نیت استفاده می کنند. در فرض خلاف، تعدیل وجه التزامی مورد پیدا می کند. شرط عدم مسئولیت به نفع بدهکاری که سوء نیت دارد موثر نیست. تدابیر ارفاقی همواره متوجه بدهکار با حسن نیت است: انتقال اموال (موضوع ماده ۱۲۶۸ قانون مدنی) که دیگر منسوخ گردیده و اعطای مهلت ارفاقی (موضوع ماده ۱۲۴۴) که به طور ضمنی به وسیله قانون ۲۰ اوت ۱۹۳۶ اصلاح گردیده است. مدیون با حسن نیت شخصی است که اراده جدی خود را جهت برائت ذمه اش بروز می دهد، یا بالاتر از آن دلایلی بر این اراده ارائه می دهد. قوانین جدید در زمینه های متعدد، به ویژه قوانین سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷، قلمرو این اصل را با اعطای مهلت های ارفاقی قابل توجه به مدیون واجد حسن نیت توسعه داده اند. حمایت از حسن نیت با وضع مقررات مربوط به اجاره بها باز هم توسعه بیشتری یافته است. قانون سال ۱۹۴۸ به متصرف با حسن نیت که تعهداتش را اجرا می کند، حق ادامه تصرف را با شروط و قوید قرارداد اجاره اولیه اعطا می کرد. قانون ۲۲ ژوئن ۱۹۸۲ (۱۹۸۲.۲۸۳) از این حد هم فراتر می رود؛ بر طبق این قانون متصرف با حسن نیت

مجاز است که تا سه ماه بعد از انتشار این قانون از مقررات مربوطه منتفع شود، بدین ترتیب مالک متعهد است در مدت دو ماه از تاریخ تقاضای متصرف، قرارداد اجاره جدیدی را بر مبنای شرایط پیش بینی شده در قانون به او ارائه کند. درست است که داشتن حسن نیت شرط اساسی اعطای مساعدت قانون است، اما تنها اشخاصی از این ارفاق یا مساعدت بهره مند می شوند که بتوانند اساس تصرف اولیه خود را به یک قرارداد اجاره از مالک یا مستاجر و یا انتقال قرارداد اجاره یا معاوضه آن مستند سازند. بار اثبات سوء نیت مستاجر بر عهده موجر است. در روابط طرفین با اشخاص ثالث، سوء نیت بدهکاری که جهت گریز از اجرای تعهداتش با شخص ثالث تبانی می کند، حیطة ای تلقی می شود که عمل حقوقی او را باطل می سازد. در این فرض طلبکار متضرر، از حق طرح دعوی ابطال، برخوردار می گردد (ماده ۱۱۶۷). دامنه مسئولیت شخص ثالث به استرداد اموال بر حسب اینکه واجد حسن نیت یا سوء نیت باشد متفاوت است. در صورت حسن نیت، او تنها ملزم به بازگرداندن چیزی است که از آن منتفع گردیده است، در حالی که در فرض سوء نیت باید پاسخگوی منافع، بهره و تلف مال باشد، همچنین علی رغم اثر قهقرای فساد معامله رهن منعقد شده بین راهن با مرتهن با حسن نیت، صحیح است.

گفتار پنجم: کاربرد حسن نیت در قراردادها

از یک دیدگاه کلی می توان گفت که «حسن نیت» به دو طریق و شیوه در قراردادها کاربرد دارد. به عبارت دیگر حسن نیت در قراردادها در دو چهره متفاوت ظاهر شده و مورد توجه قانونگذار و حقوق دانان قرار می گیرد. غالباً حسن نیت در قراردادها به عنوان یک الزام و تکلیف برای طرفین قرارداد و از این حیث مورد بررسی قرار می گیرد. چهره دیگر حسین نیت آن است که حسن نیت یکی از طرفین قرارداد و عامل جلب حمایت قانون گذار از او می گردد. در این چهره معمولاً حسن نیت در میزان مسؤولیت مؤثر بوده و قانون گذار مسؤولیت کمتری برای فرد با حسن نیت به نسبت شخصی که فاقد حسن نیت است، مقرر می کند. ما این دو جنبه چهره حسن نیت را به ترتیب به عنوان حسن نیت در چهره الزامی و تکلیفی و حسن نیت در چهره حمایتی نام گذاشته ایم. اصل حسن نیت در قراردادها، اصلی است که در نظام حقوقی ایران و در میان حقوق دانان مورد توجه و عنایت کافی قرار نگرفته است. البته در سال های اخیر شاهد توجه بیشتری هم در جامعه حقوقی و هم از سوی قانونگذار به آن هستیم. اگر چه باید به این نکته توجه کنیم که هر چند حسن نیت به عنوان یک اصل کلی که رعایت آن در قراردادها ضروری است و به عبارت بهتر اصلی که باید در قواعد عمومی قراردادها مورد توجه قرار گیرد، مورد بحث قرار نگرفته و از این عنوان بسیار به ندرت در منابع حقوقی و قوانین استفاده شده است، اما جوهره این مفهوم به دفعات و به شیوه های مختلف در کتب فقهی، حقوقی و نیز در قوانین مورد عنایت بوده است، بویژه اینکه در بسیاری از موارد قانونگذار احکامی وضع نموده است که می توان زیر بنا و مبنای اصلی یا یکی از مبانی اصلی آن احکام را حسن نیت دانست (برای نمونه رجوع شود به مواد، ۶۹، ۲۶۳، ۳۲۵، ۳۹۱، ۴۳۸، ۳۳۷، ۳۴۹، ۳۷۰، ۳۹۱، ۴۲۶، ۴۹۰ و ۵۰۰ ق.ت.گام نخستین برای آشنایی با کاربرد حسن نیت در قراردادها، تعریف و شناخت مفهوم حسن نیت است. اولین و اساسی ترین گام برای شناخت یک مفهوم و در قلمرو حقوق برای شناخت یک اصل حقوقی، ارائه تعریفی از آن است. این مطلب در مورد حسن نیت که به عقیده برخی تعریف شدنی نیست و نمی توان آن را در قالب یک تعریف آورد و مطابق عقیده ای دیگر ارائه یک تعریف مشخص از آن، کار درستی نیست، اهمیت بیشتری می یابد (عدل، ۱۳۴۲). از سوی دیگر به لحاظ معنا و محتوای حسن نیت، در برخورد با بسیاری از اصول و نهاد های حقوقی در می یابیم که محتوا و معنای این اصول و نهادها بسیار نزدیک با اصل کلی حسن نیت است و برای شناخت کامل این اصل ناگزیر از توجه به این اصول و نهادها هستیم. همچنین برای شناخت معنا و کاربرد این اصل و نیز آشنایی با سیر تاریخی آن، بررسی تاریخچه حسن نیت بطور اجمال، ضروری می نماید. از گذشته تا کنون نسبت به پذیرش این اصل ایرادها و انتقادهایی مطرح شده و در مقابل نیز پاسخ هایی به این ایرادها داده شده و از پذیرش آن دفاع شده است (سنهوری، ۱۹۵۲)؛ اما هر گاه این اصل در حقوق قراردادها پذیرفته شود موضوع بعدی که برای شناخت آن و کاربرد آن باید مورد بررسی قرار گیرد آن است که در عمل چگونه می توان ا حراز کرد که یک طرف قرارداد دارای حسن نیت بوده است یا

خیر. آیا باید به انگیزه و جنبه های درونی و نیت واقعی او توجه کرد یا ملاک های عینی و خارجی در این زمینه وجود دارد و باید بکار گرفته شود. آخرین بحث کلی در مباحث شناختی و نظری در مورد حسن نیت آن است که حسن نیت در قراردادها دارای دو چهره است. در چهره اول طرفین ملزم به رعایت این اصل و به تعبیر دیگر رعایت صداقت، درستی و خودداری از فریب، خدعه و هستند و از حسن نیت در چهره دوم مواردی را در نظر داریم که یک طرف قرارداد از روی حسن نیت و با نداشتن آگاهی از یک واقعیت، اقدامی کند و قانونگذار به این جهت او را به طریقی مورد حمایت قرار می دهد. از گذشته تا کنون در سلسله مباحث مربوط به حسن نیت، موضوعی که ذهن حقوق دانان را به خود مشغول کرده است عبارت بوده است از «شناختن و شناساندن مفهوم حسن نیت». حسن نیت را می توان اصطلاحی بسیط دانست. اصطلاحی که به سختی در قالب یک تعریف ساده و سهل می آید و لذا این عقیده مطرح شده که برای شناخت حسن نیت و بکار بستن آن، ارائه تعریفی از آن ضرورت ندارد. با وجود این به طرق و با تعبیر مختلف، سعی در تعریف حسن نیت شده است. بسیط بودن مفهوم حسن نیت و گستردگی آن موجب ارتباط وسیع آن با بسیاری از اصول و نظریه هایی که در واقع، مضمون و محتوای آنها ضرورت پای بندی به اخلاقیات و رعایت صداقت، انصاف و است شده و به این ترتیب مشکل شناخت حسن نیت و قلمرو آن دو چندان می شود (شامبیاتی، ۱۳۸۲) در این تحقیق بر آنیم که با بحث و بررسی در زمینه تعاریف ارائه شده از حسن نیت در مبحث اول و نیز بررسی اصول و اصلاحات مرتبط با آن در مبحث دوم، به قدر توان در شناسایی این اصل گام برداریم.

نتیجه گیری

اصل حسن نیت از اصول شناخته شده حقوق قراردادها در عرصه بین المللی است و چنین جایگاهی موجب نفوذ و تأثیر آن در حقوق های داخلی شده است. حسن نیت واجد معانی گوناگون است. مفهوم حسن نیت همان گونه که حقوق فرانسه به آن توجه کرده، یک معنای دوگانه پیدا کرده است. حسن نیت مشتمل بر دو معنایی است که امروزه هریک از آن دو از یکدیگر مستقل است. این مفهوم در بردارنده معنای تصور اشتباه-یا تصور مشروع-است که بیانگر وضعیت روحی یک شخص است که از ظاهر اشیا دارد. این برداشت اصولاً در قلمرو حقوق اموال، نکاح و اسناد تجاری کاربرد دارد. حسن نیت همچنین واجد معنای صداقت است. این معنا در واقع همان چیزی است که در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه به کار رفته و بیانگر اجرای با حسن نیت قراردادها است. حسن نیت ترکیبی از دو واژه «حسن» و «نیت» می باشد که همراه با تعبیر رفتار منصفانه بکار می رود در واقع حسن نیت داشتن رفتاری صادقانه و رعایت الگوهای متعارف در اجرای قراردادهاست. در واقع قاعده حسن نیت یکی از نماد های تأثیر اخلاق بر حقوق به شمار می رود و اصول حقوقی را به مفاهیم بنادین عدالت مرتبط می کند. با اینکه حسن نیت در مراحل سه گانه قراردادها (انعقاد، اجرا و تفسیر) نقش عمده و اساسی دارد قانون مدنی ایران بر خلاف قانون مدنی فرانسه به لزوم حسن نیت در هیچ یک از مراحل قرارداد اشاره ای ننموده و این از نقایض قانون مدنی ایران است با این حال نتایج علمی این تعهد به صورت سلبی و ایجابی در حقوق موضوعه ایران مستندات قانونی زیادی دارد به طوری که ماده ی ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۷۹، ۴۳۸، ۴۳۹ قانون مدنی از جمله آن می باشد در قانون ثبت، بیمه، تجارت، تجارت الکترونیکی نیز مستنداتی دارد؛ بنابراین حسن نیت از تأسیس های مهم حقوقی است که در مقررات اکثر کشورها استقلال وجودی داشته و مستقیماً در آن مورد راه حل قانونی ارائه شده است و نقش حسن نیت در مرحله انعقاد قرارداد نیز در پاره ای از موارد موجب پیدایش خیار فسخ (ماده ۴۳۸ قانون مدنی) و جبران خسارت از زیان دیده می باشد. حسن نیت امروزه طبق مفهوم سنتی خود فقط شامل اخلاق نمی شود، بلکه آن امروزه جزء باید های حقوق می باشد و باید در قلمرو قوانین حقوقی وارد گردد چنانکه حقوق کشور فرانسه (از جمله بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه) که بدان اشاره شد آن را وارد حقوق خود ساخته اند. در همه سیستم های حقوقی تمامی موازین اخلاقی که به مثابه قانون است از جانب طرفین باید رعایت شود. در حقوق فرانسه، عدم ارائه ی اطلاعات در قرارداد با عناوین مختلفی چون اظهار خلاف واقع، اشتباه، تدلیس یا غرور، سبب ایراد خدشه بر قرارداد شده و افزون بر امکان فسخ قرارداد، حق مطالبه ی زیان های وارده را نیز به زیان دیده اعطا می نماید؛ و در حقوق ایران، تعهد به ارائه ی اطلاعات به عنوان قاعده ای کلی شناسایی نگردیده و ضمانت اجرای مشخصی برای آن مقرر نشده است؛

اما در واقع، اختیار فسخ قرارداد یا بطلان آن در فرض عدم افشای اطلاعات با استناد به «قاعده ی لاضرر» یا تمسک به فقدان شرایط اساسی صحت معامله توجیه می گردد. قانون مدنی ایران در خصوص امکان جمع میان فسخ و بطلان قرارداد با اخذ خسارت، حکم صریحی ندارد؛ اما به نظر می رسد زیان دیده می تواند ضمن درخواست فسخ یا اعلام بطلان قرارداد با استناد به تقصیر، خسارات خود را مطالبه کند.

فهرست منابع

۱. قران کریم
۲. ابراهیمی، یحیی، مطالعه تطبیقی مفهوم و آثار حسن نیت در انعقاد، تفسیر و اجرای قرارداد، مجله ی حقوقی بین المللی، ش ۴۱، (۱۳۸۸).
۳. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ پنجم، کتابفروشی اسلامیه، (۱۳۵۳).
۴. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات (کلیات حقوق تعهدات -وقایع حقوقی)، جلد اول، تهران، نشر میزان، (۱۳۷۸).
۵. انصاری، علی، تئوری حسن نیت در قرارداد ها، جلد اول، انتشارات جنگل، تهران، (۱۳۸۸).
۶. اوصیاء، پرویز، مطالعه تطبیقی تدلیس در حقوق فرانسه، انگلیس، اسلام، ایران، تحولات حقوق خصوصی، آذر (۱۳۷۱).
۷. باباپور، محمد، قرارداد های فرانشیز، دانشگاه مفید، طرح پژوهشی (۱۳۸۶).
۸. باریک لو، علی رضا، خزایی، سید علی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۶، زمستان (۱۳۹۰).
۹. بهرامی احمدی، حمید، سوءاستفاده از حق: مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام های حقوقی، تهران (۱۳۷۷).
۱۰. جعفر زاده، میرقاسم؛ سیمای صراف، حسین «حسن نیت در قراردادهای بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی (۱۳۸۴)
۱۱. جعفرزاده، میرقاسم و سیمایی صراف، حسین «حسن نیت در قراردادهای بین المللی: قاعده ای فراگیر یا حکمی استثنائی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۱ (۱۳۸۴).
- جعفرزاده، میرقاسم، سیمایی صراف، حسین، «حسن نیت در قراردادهای بین المللی: قاعده فراگیر یا حکمی استثنایی»، مجله تحقیقاتی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۲-۴۱، (۱۳۸۸).
۱۲. جعفرزاده، میرقاسم، سیمایی صراف، حسین، «حسن نیت در قراردادهای بین المللی: قاعده فراگیر یا حکمی استثنایی»، مجله تحقیقاتی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۲-۴۱، (۱۳۸۸).
۱۳. جعفری علی، پایان نامه (مطالعه تطبیقی نقش حسن نیت در حقوق قراردادها) دوره ارشد (۱۳۸۵).
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، «ترمیمولوژی حقوق»، چاپ ۲۲، انتشارات احمدی، (۱۳۸۸).
۱۵. حائری شاه باغ، سید علی، شرح قانون مدنی، جلدی اول، گنج دانش، ص ۱۹۶، (۱۳۷۶).
۱۶. حبیبی درگاه، بهنام، اصول حقوق قرارداد اروپا، تهران، انتشارات مجد (۱۳۸۹).
۱۷. حسین آبادی، امیر، تعادل اقتصادی در قرارداد ها (یک): جلد اول، دوم، سوم.
۱۸. حسینی، مراغی، جلد دوم، موسوی بجنوردی جلد چهارم، بحث قاعده احسان، (۱۴۱۸).
۱۹. داراب پور، مهرباب، ترجمه تفسیری بر حقوق بیع حقوق بین المللی، جلد اول چاپ اول، کتاب خانه گنج دانش (۱۳۷۴).
۲۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ اول، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۶، ص ۷۸۶۷، (۱۳۷۳).
۲۱. دلمی، احمد، حسن نیت در مسئولیت مدنی، رساله ی دکتری، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (۱۳۸۸، ۱۳۸۹).

۲۲. رسائی نیا، ناصر حقوق مدنی، عقود و تعهدات، آوای نور، ص ۸۷، (۱۳۷۶).
۲۳. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد سوم، تهران، نشر دادگستر (۱۳۷۴).
۲۴. سلیمانی، ابراهیم، مقاله «حسن نیت در حقوق ایران»، زمستان (۱۳۹۰).
۲۵. سمیعی، یحیی، مجله وزارت دادگستری (شرط عدم مسولیت) چاپ اول (۱۳۸۸).
۲۶. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی (آثار قراردادهای و تعهدات) جلد سوم، تهران، نشر مجد (۱۳۸۹).
۲۷. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ سوم، تهران (۱۳۷۳).
۲۸. شهیدی مهدی، «آثار قراردادهای و تعهدات»، چاپ چهارم، انتشارات مجد، (۱۳۸۵).
۲۹. شهیدی مهدی، حقوق مدنی، (آثار قراردادهای و تعهدات)، جلد دوم، تهران (۱۳۸۳).
۳۰. شهیدی مهدی، حقوق مدنی، ج: ۳ آثار قراردادهای و تعهدات، تهران (۱۳۸۲).
۳۱. صاحبی، مهدی، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، انتشارات ققنوس، (۱۳۷۶).
۳۲. صالحی راد، محمد، حسن نیت در اجرای قراردادها، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۶، (۱۳۷۸).
۳۳. صفایی، سید حسن، دوره مقدماتی مدنی، تعهدات و قراردادها، جلد دوم، نشریه موسسه عالی حسابداری (۱۳۵۱).
۳۴. عبدی پور، ابراهیم، پایان نامه (ماهیت و آثار حقوقی مذاکرات پیش از قرارداد) (۱۳۸۷).
۳۵. عدل، مصطفی، حقوق مدنی، چاپ چهارم، تهران (۱۳۴۲).
۳۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول دوم، انتشارات امیر کبیر، تهران، (۱۳۷۹).
۳۷. عیسی کشوری، کاربرد قواعد فقه در حقوق، با مطالعه تطبیقی قاعده عسر و حرج، تهران (۱۳۷۴).
۳۸. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، تهران، انتشارات بهنشر (۱۳۷۶).
۳۹. کاتوزیان، ناصر، «مسئولیت مدنی الزامات خارج از قرارداد»، جلد اول، چاپ نهم، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۸۹).
۴۰. کاتوزیان، ناصر، آثار قراردادها و تعهدات، جلد سوم، (۱۳۸۲)، تهران.
۴۱. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، درسهایی از عقود معین، جلد یک، تهران (۱۳۸۳).
۴۲. کاویانی، کوروش، اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در مقابل دارنده با حسن نیت سند تجاری، رساله ی دکتری، دانشکده هی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (۱۳۷۷).
۴۳. مریدان، غلامرضا، مقاله «مبانی حسن نیت در قراردادها» خرداد (۱۳۹۴).
۴۴. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، قاعده اقدام، فصلنامه ی دیدگاه های حقوقی، ش ۲، تابستان (۱۳۷۵).
۴۵. نامی، احسان، مجله مدرس علوم انسانی، «مفهوم و معنای حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه» شماره ۶۳، زمستان (۱۳۸۸).

A Comparative Study of the Role of Good Faith in Contracts in Iranian and French Legal Systems

Marzieh Bagheri¹, Rohollah Mohammadi²

1. *M.A in Private Law, PNU, Branch of Rostam, Iran.*

2. *PhD Candidate of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Branch of Yasooj, Iran.*

Abstract

Good faith has nowadays found a special position in contract law, such that it is recognized as a binding rule at the conclusion, performance and interpretation stages of a contract in some legal systems. The principle of Unilateral Irrevocability of contracts is a recognized principle in Iranian law and the parties to a contract are required to comply with this principle and do the obligations arising from it, and they cannot refuse to perform the contract provisions; however, Article 1134 of the French Civil Code has mentioned the principle of autonomy of parties to a contract and enforceability of good faith in performance of contracts, and this principle is applicable in French law not only to the performance of the contract but also to all contractual relations, ranging from conclusion to dissolution of contracts. The principle of Good Faith is one of the recognized principles of contract law in the international arena and such a position strengthens its influence in domestic law. Therefore, the necessity to comply with the principle of Good Faith and fair dealing in contracts has found a special position in contract law as an important principle in Iranian and French legal systems in order to prepare and adjust the terms of contracts, create balance and harmony in the behavior of the contracting parties, and interpret and implement contracts.

Keywords: good faith, honesty, misconception, French law, contract.
